

## مؤلفه‌های بنیادین در سبک زندگی اسلامی

ولی الله نصیری<sup>۱</sup>

رحیم دهقان سیمکانی<sup>۲</sup>

صدرالله حجازی<sup>۳</sup>

علی نصیری<sup>۴</sup>

### چکیده

سبک زندگی اسلامی، متضمن شبکه‌ای از مؤلفه‌های بنیادین و کلیدی است که می‌توان آنها را معیارهایی برای تمایز میان سبک زندگی اسلامی و غیر اسلامی دانست. این مؤلفه‌ها مسیری را برای انسان ترسیم می‌کنند که انسان با پیمودن این مسیر به کمال نهایی خود و خدایی شدن دست می‌یابد. مرگ آگاهی، محاسبه، قناعت‌ورزی، رضایت الهی، توسل و توکل، و انتظار از جمله مؤلفه‌های بنیادین هستند که در قول و سیره پیامبران الهی (ص) و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) همواره مورد توجه و اهتمام بوده‌اند. این مقاله تلاش می‌کند تا با تمرکز بر این مؤلفه‌ها، مسیر سبک زندگی اسلامی را در یک فرآیند هدفمند به تصویر کشیده، و زمینه را برای تحقیقات بعدی پژوهشگران در این عرصه فراهم سازد.

کلیدواژه‌ها: توکل و توسل، رضایت الهی، سبک زندگی اسلامی، قناعت‌ورزی، مرگ آگاهی

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی خاتم الانبیا (ص) بهبهان (نویسنده مسئول)، رایانامه:

vh.nasiri@yahoo.com

۲. دکتری دین‌پژوهی و پژوهشگر پژوهشگاه جامعه المصطفی قم.

۳. کارشناسی ارشد تاریخ.

۴. دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه قم.

سبک زندگی دینی یا اسلامی به معنای خاص همان سیره زندگی انبیاء، ائمه، صالحان و علمای اسلام است و تحقق بخشیدن به آن به معنای عینیت دادن و عمل نمودن به باورها و اعتقادات دینی است که پیامبران راستین الهی برای بشر به ارمغان آورده‌اند. به بیان دیگر، مراد از سبک زندگی اسلامی مطابق ساختن رفتارها با باورها و اعتقادات دینی است. مفهوم سبک زندگی در رشته مطالعات فرهنگی به مجموعه رفتارها، مدل‌ها و الگوهای کنش‌های هر فرد اطلاق می‌شود که معطوف به ابعاد هنجاری، رفتاری و معنایی زندگی اجتماعی او و همچنین نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش‌ها و واکنش‌های فرد و جامعه باشد. به عبارتی، سبک زندگی بر ماهیت و محتوای روابط، تعاملات و کنش‌های اشخاص و آحاد مردم در هر جامعه دلالت دارد و از به هم تنیدگی و پیوند و نظام‌وارگی و شبکه‌ای بودن عوامل متعددی که در شیوه‌های زندگی یا اقلیم‌های زیستن انسان تأثیر گذارند، پدید آمده است.

امروزه از دو مدل و الگوی متمایز و متفاوت سبک زندگی اسلامی و غربی سخن گفته می‌شود که هر کدام مؤلفه‌ها و اقتضانات خاص خود را دارد. نکته مهم اینکه مؤلفه‌های این دو الگو باید به خوبی تبیین شوند و مرز بین آنها مشخص گردد تا انسان‌هایی که در مقام انتخاب قرار می‌گیرند، مسیر پیش‌روی خود را آگاهانه انتخاب کنند. از آنجا که مؤلفه‌های هر دو الگو در این مقاله قابل بررسی و تبیین نیست، تنها به مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی پرداخته شده است که با تعبیری چون سبک زندگی شیعی، ارزشی، ایدئولوژیک، جهادی، انقلابی، دینی و تعبیری مشابه از آن یاد می‌شود. بدین منظور، با اشاره‌ای گذرا به سبک زندگی و مراد از «مؤلفه»، مؤلفه‌های کلیدی تبیین می‌گردد و آیات و روایاتی برای تأیید این مؤلفه‌ها بیان می‌شود.

## ۱. مفهوم‌شناسی

### ۱-۱: سبک زندگی

«سبک زندگی» از جمله مفاهیمی است که در دهه اخیر بسیار مورد توجه عالمان علوم اجتماعی و مدیران فرهنگی قرار گرفته است. دامنه استفاده از مفهوم سبک زندگی در ادبیات علوم اجتماعی و مطالعات فرهنگی رواج زیادی یافته است؛ تا حدی که برخی معتقدند این مفهوم قابلیت جانشینی بسیاری از واژگان موجود از جمله مفهوم طبقه را داراست و می‌تواند به نحو دقیق‌تری، گویای واقعیت پیچیده رفتارها و حتی نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی در جامعه امروز ما باشد. (روزنگرن، ۱۹۹۶) برخی اندیشمندان نیز به کارگیری آن را به جای مفاهیم فراگیری چون قومیت و ملیت مطرح کرده‌اند. (شوارتز، ۱۹۹۵) سبک زندگی در رشته مطالعات فرهنگی به مجموعه رفتارها، مدل‌ها و الگوهای کنش‌های هر فرد اطلاق می‌شود که معطوف به ابعاد هنجاری، رفتاری و معنایی زندگی اجتماعی او همچنین نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش‌ها و واکنش‌های فرد و جامعه باشد. به عبارتی، سبک زندگی بر ماهیت و محتوای روابط، تعاملات و کنش‌های اشخاص و آحاد مردم در هر جامعه دلالت دارد. تقریباً در اکثر تعاریف مختلف از سبک زندگی می‌توان دو مفهوم را یافت که هر دو به واژه «سبک» باز می‌گردد: اول، مفهوم وحدت و جامعیت و دوم، مفهوم تمایز و تفارق؛ به این معنی که سبک زندگی حاکی از مجموعه عوامل و عناصری است که کم و بیش به طور نظام‌مند با هم ارتباط دارند و یک شاکله کلی فرهنگی و اجتماعی را پدید می‌آورند. همین پیوستگی، اتحاد و نظام‌مندی، این کل را از کل‌های دیگر متمایز می‌کند. وجود واژگانی همچون الگو، نظام‌مندی، کلیت، هویت و تمایز در بیانات رهبر فرزانه انقلاب نیز حاکی از همین مطلب است و به همین دلیل است که امروز از دو مدل و الگوی متمایز و متفاوت سبک زندگی اسلامی و غربی سخن گفته می‌شود.

۱۶۲ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

۲-۱: مؤلفه

در بیانات معصومین علیهم‌السلام، مؤلفه‌های متعددی وجود دارد که می‌توان آنها را از خصوصیات اسلامی و اخلاقی یک انسان در زندگی دانست. امام صادق علیه‌السلام به این ترتیب ده خُلق را ذکر کرد: «یقین، قناعت، بردباری، شکر، حلم، حسن خلق، سخاوت، غیرت، شجاعت و جوان‌مردی» (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۲۲)، برخی تلاش کرده‌اند برای سبک زندگی «معنویت‌گرایی و تأکید بر وحدانیت خداوند متعال؛ صداقت؛ دستگیری از ضعفا و محرومان؛ عقلانیت و خردورزی؛ پرهیز از تقلید از سبک و سلوک زندگی غربی؛ ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل‌گرایی؛ پرهیز از اسراف و مصرف‌گرایی؛ اخلاص و عدالت» را به‌عنوان عناصر یا مؤلفه‌های کلیدی نشان دهند (قنبری و هم‌متی ۱۳۹۲: ۱۰۶). این مؤلفه‌ها، هرچند در چارچوب سبک زندگی اسلامی هر یک از جایگاهی برخوردارند، اما برخی از آنها بنیادین‌اند و سبک زندگی اسلامی را از غیر اسلامی متمایز نمی‌کنند. برای نمونه، معنویت‌گرایی در بسیاری از سبک‌های زندگی در نقاط مختلف جهان وجود دارد، همچنین عقلانیت و خردورزی در اغلب سبک‌های ارائه‌شده در غرب نیز وجود دارد. از این رو، چنین مؤلفه‌هایی نمی‌توانند موجب تمایز سبک زندگی اسلامی از غیراسلامی شوند. بر همین اساس، مراد از «مؤلفه» در این مقاله، عنصری است که از ظرفیت تمایز برخوردار باشد و بتواند سبک زندگی اسلامی را از زندگی غربی یا غیراسلامی متمایز سازد. با این هدف، به تبیین و بررسی مؤلفه‌هایی خواهیم پرداخت که حداقل معنای خاصی در سبک زندگی اسلامی دارند و در دیگر سبک‌های زندگی وجود ندارند.

۲. مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی

۲-۱. رضایت الهی: برخی از صفاتی که برای خداوند به‌کار می‌روند، در مورد انسان هم استفاده می‌شوند؛ مانند رضایت و خشنودی - رضی الله عنهم - که به دفعات در مورد برخی از افراد به کار رفته است؛ برای مثال قرآن درباره راستگویان می‌فرماید: «قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ

### مؤلفه‌های بنیادین در سبک زندگی اسلامی ❖ ۱۶۳

فیها أبدأ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ» (مائده/ ۱۱۹)؛ خداوند فرمود: «این روزی است که راست‌گویان را راستی گفتارشان سود دهد. از آن آنهاست بهشت‌هایی که در آن نهرها جاری است. همواره در آن جاویدان خواهند بود. خدا از آنان خشنود است و آنان نیز از خدا خشنودند و این کامیابی بزرگی است.» در سبک زندگی اسلامی، هدف رضایت الهی است و تمام افعال روزمره انسان در راستای این هدف صورت می‌گیرد. رضوان الهی در سبک زندگی اسلامی، نقطه مقابل رضای شخصی و فردی نیست بلکه مشتمل بر رضایت فردی است. مقام رضوان الهی، مقامی خاص در عرفان اسلامی است<sup>۱</sup> و حتی نسبت به سایر مقامات معنوی، مقام والاتری دارد، اما با این حال مراتبی دارد و پایین‌ترین مرتبه آن می‌تواند در قالب یک اصل کلیدی و مهم در سبک زندگی اسلامی مد نظر قرار گیرد. اگرچه معرفت انسان محدود است و نمی‌تواند رضوان الهی و حدود آن را درک کند، اما با این حال، انسان می‌تواند تمام افعالش را با مراقبت برای دست یافتن به رضوان الهی انجام دهد. انسان‌هایی که با سبک اسلامی زندگی می‌کنند، بر این مؤلفه دقت زیادی دارند و آن را سرلوحه تمام رفتارهای خود قرار می‌دهند و تحقق کامل این مؤلفه را در زندگی برخی از اولیاء الهی به خوبی می‌توان مشاهده نمود، از جمله امام حسین (ع) در جریان واقعه کربلا با آن همه رنج از دست دادن فرزندان و یاران و... هر چه به زمان شهادت نزدیک‌تر می‌شد، صورت مبارکش برافروخته‌تر می‌شد و در کمال آرامش و اطمینان می‌فرمود: «رضا بقضائک، تسلیم لامرک، لا معبود سواک و...». (مقرم، ۱۳۹۴ق: ۳۵۷)

در بیانات ائمه معصومین<sup>۲</sup> علیهم‌السلام، احادیث بسیاری در این رابطه وجود دارد و بسیاری از مؤلفه‌ها و عناصر سبک زندگی اسلامی نیز تحت این مؤلفه معنا یافته است.

۱. در قرآن کریم آمده است: در بین تمام مقاماتی که انسان می‌تواند در دستگاه الهی و در تقرب به خداوند کسب کند، مقام رضوان فوق آنهاست، چون واژه اکبر صفت‌عالی است و از همه برتر و بالاتر است. (توبه/ ۷۲) مرحوم علامه طباطبائی معتقد است مراد از «و رضوان من الله اکبر» در این آیه این است که خشنودی‌خدا، از همه حرف‌ها بزرگ‌تر و ارزنده‌تر است. بندگان خدا وقتی به درجه‌ای از معرفت می‌رسند اگر بدانند در آن مرحله خداوند از آنها راضی است، همین مقام رضایت خداوند از بندگان برایشان از بهشت و نعمت‌های جاوید برتر است. (تفسیرالمیزان، ج ۱۸: ۲۳۹ - ۲۳۸)

۲. امام حسین (ع) فرمود «مَنْ طَلَبَ رِضَى النَّاسِ بَسَطَ اللَّهُ وَكَلَّهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ؛ کسی که برای جلب رضایت و خوشنودی مردم، موجب خشم و غضب خداوند شود، خداوند او را به مردم وا می‌گذارد.» (الامالی، ح ۱۱: ۲۰۱)

۱۶۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

در توصیه‌های رسول گرامی اسلام به حضرت علی (ع) آمده است که می‌فرمایند: «یا عَلِيُّ الْعَقْلُ مَا اكْتَسَبَتْ بِهِ الْجَنَّةُ وَ طَلِبَ بِهِ رِضَا الرَّحْمَنِ؛ ای علی! عقل چیزی است که با آن بهشت و خشنودی خداوند رحمان به دست می‌آید (صدوق، ۱۳۱۴ق، ج ۴: ۳۶۹، ح: ۵۷۶۲). بر اساس این بیان شریف، عقلانیت در سبک زندگی در صورتی ارزش خواهد یافت که در راستای کسب رضایت الهی به‌کار گرفته شود. وقتی انسان محو اراده و خواست و رضایت الهی است و به جای توجه به مدح و ذم مردم و فضایل و رذایل شناخته‌شده برای مردم، تمام نگاهش به وجه‌الله است، کارهایی از او صادر می‌شود که ممکن است برای عقل عادی قابل فهم یا توجیه نباشد و حتی آن را در ابتدا از مصادیق قبح بشناسد (طباطبایی، ۱۳۷۱: ۶۲۰). همچنین نماز و عبادات در راستای همین مولفه یعنی رضایت الهی معنا خواهد یافت. پیامبر (ص) می‌فرماید «الصَّلَاةُ مِنْ شَرَائِعِ الدِّينِ وَ فِيهَا مَرْضَاةُ الرَّبِّ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هِيَ مِنْهَاجُ الْأَنْبِيَاءِ»؛ نماز، از آیین‌های دین است و رضای پروردگار، در آن است. و آن راه پیامبران است. و نیز می‌فرماید: «صَلَاةُ اللَّيْلِ مَرْضَاةٌ لِلرَّبِّ»؛ نماز شب، موجب رضایت پروردگار است مقوله دعا و درخواست حاجات از خداوند نیز تحت همین مولفه معنا یافته؛ به‌گونه‌ای که امام حسن (ع) فرمودند: «أَنَا الضَّامِنُ لِمَنْ لَمْ يَهْجُسْ فِي قَلْبِهِ إِلَّا الرُّضَا أَنْ يَدْعُوَ اللَّهَ فَيَسْتَجَابَ لَهُ»؛ کسی که در دلش هوایی جز خشنودی خدا خطور نکند، من ضمانت می‌کنم که خداوند دعایش را مستجاب کند. (الکافی، ج ۲: ۶۲، ح ۱۱)

بر این اساس، به نظر می‌رسد با یاد خداوند زندگی کردن<sup>۱</sup> و رضایت او را در تمام افعال و فعالیت‌های روزمره مد نظر قرار دادن، اولین و اصیل‌ترین مؤلفه در سبک زندگی اسلامی است. این مؤلفه نسبت به دیگر مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی از نوعی شمولیت برخوردار و بر هویت اسلامی بودن یک زندگی سایه افکنده است.

**۲-۲. مرگ آگاهی:** در نهج البلاغه به صراحت تعریفی - آن گونه که مصطلح است - از مرگ نیامده، اما نکاتی درباره آن ذکر شده است که می‌تواند چشم‌اندازی به انسان در

۱. حضرت علی (ع) ذکر خداوند را از جمله عناصر زیباکننده و معنابخش به زندگی دانسته و در این راستا می‌فرماید: «أذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا خَالِصًا تَحْيُوا بِهِ أَفْضَلَ الْحَيَاةِ وَ تَسْلُكُوا بِهِ طُرُقَ النِّجَاةِ؛ خدا را خالصانه یاد کنید، تا بهترین زندگی را داشته باشید و با آن راه نجات را بیابید» (بحار الأنوار، ج ۱۶: ۷۸).

## مؤلفه‌های بنیادین در سبک زندگی اسلامی ❖ ۱۶۵

شناخت آن عرضه کند. برای بیان مفهوم مرگ، از واژگانی همچون «رحلت»، «رجعت»، «صیوررت» و «ظعن» و نظایر آنها استفاده شده است. برای مثال در جایی از آن با عبارت «الرَّحِيلُ وَشَيْكٌ» (همان، ح ۱۸۷: ۵۰۲)؛ (هنگام کوچ کردن از این دنیا نزدیک است) یاد کرده است. در مواردی هم عبارت «تَجَهَّزُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَقَدْ نُودِيَ فِيكُمْ بِالرَّحِيلِ» (همان، ح ۲۰۴: ۳۲۱)؛ (آماده حرکت شوید، خدا شما را بیامرزد که بانگ کوچ را سر دادید) آمده است. گاهی نیز از کلمه «موت» استفاده کرده، معنای مرگ را کاوریده است: «الْمَوْتُ غَايَتُهُ» (همان، ح ۱۰۶: ۱۵۳)؛ مرگ هدف اسلام است. گاه نیز از آن با عنوان «خاتمه‌دهنده زندگی دنیوی» یاد شده است: «وَبِالْمَوْتِ تُخْتَمُ الدُّنْيَا» (همان، ح ۲۱۹: ۱۵۶)؛ با مرگ دنیا پایان می‌پذیرد. حضرت در خطبه ۸۳ از مرگ با عنوان رخدادی «دردآور و برهم‌زننده شادکامی»، «واردکننده آدمی به سكرات سخت و بی‌هوشی آرزو سوز و دردناک»، «عامل تنهایی مطلق و بی‌نظیر»، «زمینه‌ساز معذب شدن یا برخوردار شدن آدمی» و «ستاننده آزادی و فعالیت نفس» یاد کرده‌اند (همان، ح ۸۳: ۱۱۴-۱۱۳). زیستن با مداومت داشتن بر یاد مرگ، امری است که می‌توان از آن به مرگ‌آگاهی یا مرگ‌آگاهانه زیستن تعبیر کرد. این «مؤلفه» در سبک زندگی اسلامی در مقابل محتوای زندگی مادی در جهان‌بینی مادی است. بر اساس این مؤلفه، زندگی دنیوی، ابزار یا مقدمه‌ای برای نیل به زندگی اخروی است. در جهان‌بینی الهی، زندگی واقعی زندگی اخروی است و زندگی دنیوی ابزار و مزرعه‌ای است که بایستی در حد توان در آن کاشت تا در جهان دیگر درو نمود و به هدف اصلی دست یافت. در متون دینی این دنیا از هویت مقدمی و فانی برخوردار و گذر از آن اصلی مسلم است. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید:

«اجْعَلُوا عِبَادَةَ اللَّهِ - اجْتِهَادَكُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا التَّزَوُّدَ مِنْ يَوْمِهَا الْقَصِيرِ لِيَوْمِ الْآخِرَةِ الطَّوِيلِ؛ فَإِنَّهَا دَارُ عَمَلٍ وَ الْآخِرَةُ دَارُ الْقَرَارِ وَ الْجَزَاءُ؛ بندگان خدا! بکوشید تا از چند روز دنیا برای آخرت که دوره‌اش دراز و طولانی است، توشه بگیرید؛ چه، دنیا سرای عمل است و آخرت سرای بقا و جزا». (الکافی، ج ۸، ح ۱۷۴: ۱۹۴).

همچنین حضرت در بیانی دیگر با تأکید بر اصالت داشتن زندگی اخروی و مقدمه بودن دنیا می‌فرماید: «إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارُ مَجَازٍ وَ الْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ، فَخُذُوا مِنْ مَمَرِكُمْ لِمَقَرِكُمْ؛

۱۶۶ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

همانا دنیا سرای گذر است و آخرت سرای ماندن؛ پس، از گذرگاه خود برای اقامتگاهتان توشه بگیرید» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۳). علاوه بر اینها، در خطبه‌های آن حضرت آمده است: «إِنَّمَا الدُّنْيَا مُتَهَيِّ بِصَرِّ الْأَعْمَى، لَا يُبْصِرُ مِمَّا وَّرَاءَهَا شَيْئًا وَ الْبَصِيرُ يَنْفُذُهَا بِصَرِّهِ وَ يَعْلَمُ أَنَّ الدَّارَ وَّرَاءَهَا، فَالْبَصِيرُ مِنْهَا شَاخِصٌ وَ الْأَعْمَى إِلَيْهَا شَاخِصٌ وَ الْبَصِيرُ مِنْهَا مُتَزَوِّدٌ وَ الْأَعْمَى لَهَا مُتَزَوِّدٌ؛ همانا دنیا آخرین دیدرس انسان کور است و فراتر از آن را نمی‌بیند، اما شاخص بینا و با بصیرت نگاهش را از دنیا فراتر می‌برد و می‌داند که سرای حقیقی در ورای این دنیا است. پس بینا از دنیا دل برکند و کور به آن روی آورد. شاخص با بصیرت از آن توشه بر می‌دارد و کور برای آن توشه فراهم می‌آورد». (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳)

بر این اساس، در سبک زندگی اسلامی، اگر دنیا ارزشی دارد، از آن حیث است که می‌تواند مقدمه‌ای برای نیل به سعادت اخروی و زندگی واقعی باشد و گرنه به سبب زوال‌پذیری و توأم بودن آن با سختی‌ها و... ارزش واقعی ندارد. مطابق این جهان‌بینی، خوشی و سعادت زندگی در خوردن و آشامیدن و بهره‌گیری هرچه بیشتر از مواهب مادی نیست، بلکه در مداومت ورزیدن بر یاد خداوند و روز حساب است. در قرآن کریم آمده است:

«وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى... وَ كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَ لَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَ لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَ أَبْقَى؛ هر کس که از یاد من دل بگرداند زندگی تنگی خواهد داشت و در روز رستاخیز [نیز] او را نابینا محسوس می‌کنیم... و این چنین هر که را زیاده‌روی کرده و به آیات پروردگارش ایمان نیاورده، سزا می‌دهیم، هرآینه عذاب آخرت سخت‌تر و پایدارتر است.» (طه/ ۱۲۴ تا ۱۲۷)

قرآن کریم در آیات متعددی<sup>۱</sup> بر اتخاذ این نوع جهان‌بینی در زندگی تأکید می‌کند و زندگی بدون توجه به آخرت و معاد را پوچ و بیهوده می‌داند:

۱. «بَلْ تُؤْتِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَ أَتَيْتُمْ بِلُحُوبِكُمْ أَعْمَى... وَ كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَ لَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَ لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَ أَبْقَى؛ «فَأَمَّا مَنْ طَغَى وَ آثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى پس هر که طغیان کرده و زندگی این جهانی را برگزیده، جهنم جایگاه اوست.» (النازعات/ ۳۷ و ۳۹)؛ «وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ لَلْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ وَ زندگی دنیا چیزی جز بازیچه و لهو نیست و سرای آخرت برای پرهیزگاران بهتر است، آیا نمی‌اندیشید؟» (انعام/ ۳۲)



## مؤلفه‌های بنیادین در سبک زندگی اسلامی ❖ ۱۶۷

«وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِیَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ؛ این زندگانی دنیا چیزی جز سرگرمی و بازی نیست. زندگانی واقعی سرای آخرت است، اگر می‌دانستند.» (عنکبوت/ ۶۴)

**۲-۳. قناعت‌ورزی و اکتفا به حداقل‌ها:** اسلام اگرچه مانع رفاه و توسعه زندگی مادی نیست و همواره انسان را به زندگی بهتر و سالم‌تری دعوت می‌کند، اما توصیه‌های بسیاری به قناعت ورزیدن و پرهیز از تجمل‌گرایی، اشرافی‌گری کرده است. از منظر پیامبر (ص)، قناعت آن است که به آنچه از دنیا به انسان می‌رسد قناعت ورزد؛ با چیز کم بسازد و بر عطای اندک سپاس گزارد (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۲۶). امیرالمؤمنین (ع) قناعت را به زندگی ساده و کم زرق و برق و سبک تفسیر کرده است: «به اندک دنیا بسنده کنید تا دیتان سالم بماند؛ زیرا مؤمن به اندکی که کفایتش کند قناعت دارد (آمدی، ۱۳۶۶ق: ۳۹۳). این مسئله، از خصوصیات کلیدی و مهم در سبک زندگی اسلامی است و در زندگی به اندازه‌ای اهمیت دارد که در برخی روایات منقول از معصومین علیهم‌السلام، حیات طیبه که در حقیقت تعبیری از سبک زندگی اسلامی است، در عنصر «قناعت» خلاصه شده است.

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» و در تفسیر قمی در ذیل آیه «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» از معصوم روایت کرده است که فرمود: منظور از حیات طیبه، قناعت است.» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ج ۱۲، ص ۵۰۴)

در بیانات معصومین به قناعت در زندگی تأکید بسیاری شده است. حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید: «آن‌که خردورزی کند، قناعت پیشه می‌کند» (آمدی، ۱۳۶۶ق: ۳۹۱). سیره عالمان مسلمان که زندگی آنها الگویی برای پیروی‌کنندگان از سبک زندگی اسلامی است نیز با قناعت‌ورزی بوده و همواره بر همین اساس زندگی کرده‌اند. برای مثال، مرحوم علامه طباطبایی در رابطه با شیوه و سبک زندگی خود می‌فرماید: «در خورد و خواب و لوازم دیگر زندگی به حداقل ضروری قناعت نموده، باقی را به مطالعه می‌پرداختم.» (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۸)

۱۶۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

قناعت‌ورزی در ابعاد و اشکال گوناگونی از زندگی انسان تبلور می‌یابد و از جمله پیامدهای ارزشمند آن بی‌نیازی و عزت نفس در زندگی است.<sup>۱</sup> پرهیز از مصرف‌گرایی از جمله این ابعاد است. مصرف‌گرایی به معنای اصالت دادن به مصرف و هدف قرار دادن رفاه و دارایی‌های مادی است. اسلام که دین اعتدال و میانه‌روی است؛ از طرفی به اصلاح مال و صرف آن در مصارف شخصی در حد کفاف و شئون امر کرده و از طرف دیگر انسان‌ها را از رفتارهای نابهنجار اسراف، تبذیر، کنز و ثروت‌اندوزی بر حذر داشته است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۸: ۴۳). به‌طور کلی، مصرف افراد در اسلام به پنج دسته تقسیم می‌شود: الف) مصارف واجب، که به‌منظور تأمین نیازهای ضروری خود و افراد تحت تکفل و برای انجام واجبات عبادی استفاده می‌شود مانند خوراک و پوشاک و حج تمتع؛ ب) مصارف مستحب، که به‌منظور جلب رضای الهی، اهداف خدایسندانه و خیرخواهانه و کسب ثواب صورت می‌گیرد؛ ج) مصارف حرام، که در راه‌های نامشروع و حرام و در مواردی که از حد شرعی و نیاز خارج است استفاده می‌شود مانند اسراف و تبذیر و مصرف‌گرایی بی‌رویه؛ د) مصارف مکروه، که شامل مصرف بیش از حد متعارف و همچنین سخت‌گیری در مصرف روزمره است؛ ه) مصارف مباح، که شامل مواردی غیر از موارد پیش‌گفته است و نکوهش و ثوابی در آن نیست. (موسایی، ۱۳۷۴: ۶۵)

بر همین اساس، روش زندگی از نظر اقتصادی به سه قسم تقسیم می‌شود: قسم اول: زندگی ضروری؛ به این معنا که در حدی گذران زندگی کند و در مضیقه نباشد؛ قسم دوم: زندگی رفاهی؛ به معنای زندگی متوسط، یعنی برخوردار از رفاهی از خوراک، پوشاک، مسکن و ازدواج، همراه با ساده‌زیستی و بدون تجمل، اسراف و تبذیر؛ قسم سوم: زندگی تجملی؛ زندگی‌ای که امروزه در بین اکثر اقشار مردم رایج شده است در این زندگی افراد داشته‌های خود راضی نیستند و مدام در حال ریخت و پاش و اسراف و تبذیراند. این نوع زندگی مورد مذمت قرآن و عترت است. قرآن کریم زندگی قسم

۱. مرحوم نراقی در اثر ارزشمند خود معتقد است صفت قناعت موجب می‌شود که شخص به مقدار نیاز و ضرورت بسنده کند و زاید بر آن را نطلبد. (نراقی، بی‌تا، ج ۲: ۱۰۴)

## مؤلفه‌های بنیادین در سبک زندگی اسلامی ❖ ۱۶۹

دوم را برای مؤمنان می‌پسندد و تأکید می‌کند زندگی مؤمن ساده و به دور از اسراف باشد و می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا؛ مؤمن آن است که زندگی تجملی و مسرفانه ندارد و البته بخیل هم نیست که زن و بچه‌اش در مضیقه باشند (فرقان / ۶۷). متأسفانه امروزه در جامعه ما تا حدودی زندگی تجملی ترویج یافته است. مجالس عقد و عروسی تشریفاتی، جهیزیه‌های ناروا و مهریه‌های سنگین از مصادیق بارز تجمل‌گرایی است و بلای بزرگی محسوب می‌شود که از نظر قرآن کریم، ملت را نابود می‌کند. بسیاری از لوازم جهیزیه‌ها اضافی است و هیچ‌گاه استفاده نمی‌شود، این کار نوعی احتکار است و گناه بزرگی دارد. کسی که طالب زندگی تشریفاتی و مصرفی است، مجبور است با قرض و وام و حتی با مال مردم‌خوری و ربا دادن و با اقسام گناهان اقتصادی دیگر، مخارج زندگی را تهیه کند. بنابر نظر اسلام، زندگی انسان باید در حد متوسط و به‌صورت رفاهی اداره شود و باقیمانده درآمد، صرف رسیدگی به دیگران و دستگیری از نیازمندان شود. تعاون و قانون مواسات، واجب است و هرکسی به اندازه وسعش باید به آن عمل کند. پایه اقتصاد اسلام، تعاون است و باید جایگزین اسراف و تبذیر و خودخوری شود تا به اقتصاد اسلام عمل گردد.

**۴-۲. محاسبه:** از دیگر مؤلفه‌های کلیدی در سبک زندگی اسلامی، عنصر «محاسبه»

به معنای حسابرسی دقیق در تمام اعمال و رفتارها چه در رابطه با خود انسان و چه رفتار انسان با انسان‌های دیگر و جهان اطراف است. در رابطه با خود انسان، با توجه به جایگاه والای نفس و اهمیت تزکیه و پاکسازی آن از آلودگی‌ها در سبک زندگی الهی و اسلامی، در آیات و روایات فراوانی به محاسبه نفس و نیز دقت و حسابرسی در زندگی توصیه و ثمرات آن بیان شده است. قرآن کریم به صراحت بیان می‌دارد: «یا ایها الذین ءامنوا اتقوا الله و لتنظر نفس ما قدمت لغد؛ ای کسانی که ایمان آوردید! پرهیزکار باشید و هرکس باید بنگرد که چه از پیش به درگاه پروردگار می‌فرستد». (حشر / ۱۸) روایات بسیاری نیز در این زمینه وجود دارد<sup>۱</sup> از جمله رسول خدا(ص) می‌فرماید «حاسبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ

۱. از جمله اینکه پیامبر اکرم(ص) فرمود: «حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا؛ پیش از آن که مورد حساب قرار گیرید نفس خود را مورد حساب قرار دهید». و امام کاظم(ع) اهمیت محاسبه نفس را چنین بیان می‌دارند: «لیس منا من لم یحاسب نفسه فی کل یوم؛ از ما نیست کسی که هر روز به محاسبه نفس خود نپردازد». در بیان حضرت علی(ع) آمده است که می‌فرماید: «من حاسب

۱۷۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

تُحَاسِبُوا وَزُنُوهَا قَبْلَ أَنْ تُوزَنُوا وَتَجْهَزُوا لِلْعَرْضِ الْأَكْبَرِ؛ خویشتن را محاسبه کنید قبل از آنکه به حساب شما برسند و خویش را وزن کنید قبل از آنکه شما را وزن کنند و آماده شوید برای عرضه بزرگ (روز قیامت)» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷: ۷۳). امام علی (ع) نیز می‌فرماید: «مَا أَحَقَّ لِلْإِنْسَانِ أَنْ تَكُونَ لَهُ سَاعَةٌ لَا يَشْغَلُهُ شَاغِلٌ يُحَاسِبُ فِيهَا نَفْسَهُ، فَيَنْظُرَ فِيمَا أَكْتَسَبَ لَهَا وَعَلَيْهَا فِي لَيْلِهَا وَنَهَارِهَا؛ چقدر خوب است که انسان ساعتی برای خود داشته باشد، که هیچ چیز او را به خود مشغول نسازد و در این ساعت محاسبه خویش کند و ببیند چه کاری به سود خود انجام داده و چه کاری به زیان خود، در آن شب و در آن روز» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲: ۱۵۴). همچنین از امام کاظم (ع) روایت شده است که حضرت فرمود «يَا هِشَامُ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنَّ عَمَلًا حَسَنًا اسْتَزَادَ مِنْهُ وَإِنْ عَمِلَ سَيِّئًا اسْتَغْفَرَ اللَّهُ مِنْهُ وَتَابَ؛ کسی که هر روز به حساب خویش نرسد از ما نیست، اگر کار خوبی انجام داده از خدا توفیق فزونی را بخواهد و اگر عمل بدی انجام داده استغفار کند و به سوی خدا برگردد و توبه کند.» (همان: ۱۵۳)

بر اساس این بیانات، اهمیت محاسبه در زندگی، امری قطعی و غیر قابل تردید در سبک زندگی اسلامی است. علاوه بر این، در رابطه با آثار و پیامدهای حسابرسی در زندگی و چگونگی آن نیز بیانات قابل توجهی در روایات اسلامی دیده می‌شود. حضرت علی (ع) در تبیین چگونگی محاسبه نفس می‌فرماید: «هنگامی که صبح را به شام می‌رساند، نفس خویش را مخاطب ساخته و چنین بگوید: ای نفس امروز بر تو گذشت و تا ابد باز نمی‌گردد و خداوند از تو درباره آن سؤال می‌کند که در چه راه آن را سپری کردی؟ چه عمل در آن انجام دادی؟ آیا به یاد خدا بودی و حمد او را بجای آوردی؟ آیا حق برادر مؤمن را ادا کردی؟ آیا غم و اندوهی از دل او زدودی؟ و در غیاب او زن و فرزندش را حفظ کردی؟ آیا حق بازماندگانش را بعد از مرگ او ادا

نفسه وقف علی عیوبه و احاط بذنوبه و استئصال الذنوب و اصلاح العیوب؛ هرکس محاسبه نفس کند بر عیب‌های خویش آگاه شود و گناهانش را می‌شناسد پس از گناهان خود توبه می‌کند و عیب‌های خود را برطرف می‌کند. از سوی دیگر کسی که نفس خود را اصلاح نکند و آن را پاک نسازد هرچند صاحب علم و دانش نیز باشد از آن بهره‌ای نمی‌گیرد و در زندگی به رستگاری دست نمی‌یابد. آن گونه که حضرت علی (ع) می‌فرماید: «من لم یهدب نفسه لم یتنفع بالعقل؛ هرکس نفس خود را پاک نسازد از عقل و خرد خود سودی نمی‌برد.» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲: ۱۵۴)

## مؤلفه‌های بنیادین در سبک زندگی اسلامی ❖ ۱۷۱

کردی؟ آیا با استفاده از آبروی خویش، جلوی غیبت برادر مؤمن را گرفتی؟ چه کار مثبتی امروز انجام دادی؟» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۶: ۲۵۰). همچنین درباره پیامدهای این مؤلفه در بیان حضرت علی (ع) آمده است: «مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ سَعِدَ؛ کسی که به محاسبه خویشتن پردازد، سعادتمند می‌شود.» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲: ۱۵۴)

البته حسابرسی ابعاد مختلفی دارد و علاوه بر محاسبه نفس، حسابرسی در رفتار با دیگران و حتی جوامع دیگر را نیز شامل می‌شود. از این رو، تأکید بر محاسبه نفس، به معنای کم‌اهمیت بودن ابعاد دیگر حسابرسی در زندگی نیست بلکه بدین معناست که محاسبه نفس بر دیگر ابعاد شمولیت داشته و در تمام روابط انسان با دیگران، یک طرف قضیه خود انسان یا نفس اوست که در صورت دقت و حسابرسی آن، دیگر ابعاد به صورت خودکار، در مسیر درست قرار خواهند گرفت.

**۵-۲. انتظار:** زیستن منتظرانه یا زیستن همراه با انتظار و امید، از دیگر ویژگی‌های کلیدی در سبک زندگی اسلامی است. در دین مبین اسلام، انتظار تنها در مسئله ظهور خلاصه نمی‌شود بلکه بردباری در برابر مشکلات و امید و انتظار در رفع و حل آن نیز یک انتظار ارزشمند محسوب می‌شود. بر همین اساس، ناامیدی در زندگی اسلامی به شدت مذمت می‌شود و قطع امید از خدای متعال، از گناهان کبیره است. از مهم‌ترین و اصلی‌ترین آثار ناامیدی در وجود یک انسان خودکشی و خلاص کردن خود از مشکلات است که امروزه به یک معضل جدی در جهان غرب و زندگی غربی تبدیل شده است. این در حالی است که انتظار در زندگی اسلامی علاوه بر محوریت زمینه‌سازی ظهور امام زمان (عج)، موجب امید برای حل مشکلات خواهد بود. انتظار فرج در معنای واقعی خود به یقین در سبک زندگی اسلامی محقق می‌شود. این امر مبتنی بر آزمایش الهی است که یکی از سنت‌های الهی بوده و در تمام امت‌های گذشته نیز اجرا شده است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

«أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ، وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ؛ آیا مردم خیال می‌کنند که همین که گفتند ایمان آوردیم رها شده و دیگر امتحان نمی‌شوند. کسانی را که قبل از آنها بودند، آزمایش کردیم تا خداوند راستگویان و دروغ‌گویان را مشخص کند.» (عنکبوت/ ۲-۳)

۱۷۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

با توجه به آیه فوق، خداوند متعال در هر زمان و دوره‌ای، مردم آن دوره را امتحان می‌کند تا مومنان واقعی از متظاهران به دین و ایمان مشخص شوند. امتحان الهی، متفاوت و متناسب با رشد و کمال عقلی مردم آن زمان است. در دوران غیبت کبری، با غایب شدن حجت‌خدا، مردم به استقامت و پایداری نسبت به دین امتحان می‌شوند تا منتظران واقعی از غیر واقعی تمیز داده شود و هر کدام پاداشی در خور موفقیت در این امتحان به‌دست آورند. سدیر<sup>۱</sup> می‌گوید: در خدمت مولایمان امام صادق(ع) بودیم، ایشان روی زمین نشسته و عبائی بی‌یقه و با آستین کوتاه پوشیده بود، در آن حال مانند پدر فرزند مرده گریه می‌کرد، آثار حزن از رخسار مبارکش نمایان بود و می‌فرمود: «آقای من! غیبت تو خواب را از من ربوده و لباس صبر را بر بدنم تنگ و آرامش را از من سلب کرده است. آقای من! غیبت تو برای همیشه مرا اندوهگین کرده مثل کسی که تمام بستگانش را یکی پس از دیگری از دست می‌دهد و تنها می‌ماند.» سدیر می‌گوید از ناله‌های جانگداز حضرت، پریشان شده و عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! خداوند دیدگان شما را گریان نکند، برای چه این قدر ناراحت و محزون هستی؟ امام صادق(ع) آه سوزناکی کشید و [بدین مضمون] فرمود: «قائم ما غیبت طولانی کرده و عمرش طولانی می‌شود. در آن زمان اهل ایمان امتحان می‌شوند و به واسطه طول غیبتش شک و تردید در دل آنها پدید می‌آید و بیشتر، از دین خود برمی‌گردند» (صدوق، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۳۵۲). همچنین نعمانی از حضرت علی(ع) نقل می‌کند که ایشان دلیل غیبت را غربال انسان‌های صالح از گمراه و دانا از نادان می‌داند. (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۰۲)

از روایات نیز استفاده می‌شود که امتحان و آزمایش با غیبت امام(عج) به جهاتی از شدیدترین امتحان‌هاست (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹ق: ۱۰۱)؛ چراکه مومنان و افرادی که در زمان غیبت آن حضرت به سر می‌برند، از حیث درجه و مقام بر کسانی که در زمان حضور پیامبر(ص) و سایر ائمه(علیهم‌السلام) بودند برتری دارند. لازمه این برتری و

۱. سدیر بن حکیم صیرفی یکی از موالیان و دوستان و شیعیان امامان معصوم و یکی از رهروان راه امامان، ممدوح و مورد ستایش، محبوب خدا، با تمام وجود دوستدار پیامبر و آل او، در پیدا و پنهان محرم راز آنان و عارف به فهم روایات و سخنان آن بزرگواران بود. (مامقانی، ۱۴۲۳ق، ج ۲: ۸)

## مؤلفه‌های بنیادین در سبک زندگی اسلامی ❖ ۱۷۳

موقعیت، شدت و سختی امتحان آنهاست که به واسطه طولانی شدن غیبت امام و حجت خدا، متوجه آنان می‌شود، اما آنان ذره‌ای شک و تردید به خودشان راه نمی‌دهند و با اخلاص کامل، بر اعتقاد به امامت آن حضرت ثابت و استوار می‌مانند (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۵۴ و ۲۰۴). ابن عباس از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: سوگند به خدایی که مرا به حق مبعوث داشت و بشارت‌دهنده قرار داد، کسانی که در زمان غیبت آن حجت خدا، بر قول و اعتقاد به امامت وی ثابت بمانند، از طلای سرخ یا یاقوت سرخ، کمیاب‌ترند. جابر بن عبدالله انصاری بلند شد و عرض کرد آیا برای قائم (عج) غیبتی است؟ حضرت فرمود: آری به خدا سوگند. «وَلِيْمَحْصُ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَيَمْحَقَ الْكٰفِرِيْنَ»؛ (آل عمران/ ۱۶۱) تا خداوند بندگان با ایمان را خالص گرداند و امتحان کند و کافران را نیست و نابود نماید. (صدوق، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۲۸۸)

بنابراین انتظار به معنای خاص خود که سنت آزمایش و امتحان را در بنیان خود دارد، در زندگی اسلامی اهمیت بسیار دارد و انسان‌هایی به واقع از سبک زندگی اسلامی برخوردارند که از این آزمایش سربلند بیرون بیایند.

**۶-۲. توکل و توسل:** زندگی همراه با توکل و سپردن امور به باری تعالی و نیز زیستن با توسل به ائمه علیهم السلام از دیگر ویژگی‌های سبک زندگی اسلامی است. توسل از وسیله است؛ به معنی تقرب جستن یا چیزی که باعث نزدیکی به دیگری از روی علاقه و رغبت می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۴: ۶۶۴). خداوند با لطف و رحمت بی‌انتهای خویش، برای اعطای فیض خویش، اسبابی<sup>۱</sup> چون نماز، روزه، نیکی به یتیم، خدمت به مردم و... را مشخص کرده است. از جمله این اسباب نزول فیض و رحمت الهی، وجود انسان‌های کاملی چون امامان و پیامبران الهی است. خداوند انسان‌ها را به استمداد از ارواح مطهر پیامبران و اولیای الهی در زندگی می‌خواند و

۱. امام صادق (ع) می‌فرماید: «ابی الله أن یجری الاشیاء الا بالأسباب؛ خداوند امور و اشیا را از طریق علل و سبب جاری می‌سازد.» (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۱: ۱۸۳) بر این اساس انسان در همه کارهای زندگی به اسباب و وسایل توسل می‌جوید. امام علی (ع) در روایتی وسائلی ذکر کرده که برای نزدیک شدن انسان به خدا می‌توان از آنها بهره جست، مانند ایمان به خدا و پیامبر و جهاد در راه خدا و کلمه اخلاص (لا اله الا الله) و نماز و زکات و روزه و حج و عمره و صلح و انفاق و کارهای نیک. (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۹)

## ۱۷۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

می فرماید: «و ابتغوا اليه الوسيله؛ به سوی او وسیله به دست آورید.» (مائده/ ۳۵) دعای توسل و سفارش بر مداومت داشتن بر آن، که با تعبیر «اللهم انی أسألك و أتوجه الیک بنبیک نبی الرحمه» آغاز شده و این تعبیر را در مورد تمام معصومین به کار می برد، نمونه بارز اهمیت این مؤلفه در زندگی اسلامی است. انسان با توسل به پیامبران و امامان، در اثر همنشینی و ارتباط با نیکی ها و مظاهر نیکی ها، تاثیر می گیرد و زندگی خود را با الگوپذیری از آنان به پیش می برد.

در کنار این مقوله، توکل و تفویض امور به دست خداوند نیز از اهمیت زیادی در سبک زندگی اسلامی برخوردار است. امام علی (ع) می فرماید: «مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ ذَلَّتْ لَهُ الصُّعَابُ وَتَسَهَّلَتْ عَلَيْهِ الْأَسْبَابُ؛ هر کس به خدا توکل کند، دشواری ها برای او آسان می شود و اسباب برایش فراهم می گردد (آمدی، ۱۳۶۶ ش، ح ۹۰۲۸: ۴۲۵). انسانی که توکل و اعتقاد درونی در او شکل گرفته باشد، همواره با استعانت از خدا سختی های زندگی را به راحتی تحمل می کند و خداوند هم با اسباب خاص خود او را یاری می رساند. انسان با توکل در زندگی و با تکیه بر قدرت عالم هستی و ایمان به خداوند، هیچ ترسی و ضعفی را در مسیر زندگی خود احساس نخواهد کرد.

علاوه بر مؤلفه های مذکور، می توان از عناصری چون مهرورزی<sup>۱</sup>، صداقت<sup>۲</sup>، اخلاص<sup>۱</sup>، عقلانیت و... به عنوان مؤلفه های کلیدی در سبک زندگی سخن گفت که

۱. مهر و محبت یکی از برترین و باارزش ترین گوهرهای وجودی انسان است و مهرورزی اساس شکل گیری و انسجام جوامع انسانی را تشکیل می دهد. بدون شک، وجود مهر و محبت در جامعه یا خانواده، اطمینان و اعتماد افراد به یکدیگر را افزایش می دهد و با کاهش تنش ها و مشکلات ناشی از آن، تمام توان افراد صرف نیکوکاری و پرداختن به هموعان خود خواهد شد. زمانی که محبت در خانواده نباشد، مشکلات زیادی در زندگی ایجاد خواهد شد. وقتی که دو والد در خانه باشند، مسئولیت کنترل بچه ها را تقسیم کنند و تشویق ها و روش های مورد نیاز را ایجاد می کنند. زمانی که والدین جدا زندگی می کنند والد ساکن اغلب تهیه کننده اولیه منابع اقتصادی است بنابراین وادار به اعمال محدودیت زمانی برای کنترل و اجتماعی سازی بچه ها می شود. والد غیر ساکن کمتر به فعالیت های فرزندان نزدیک بوده و بنابراین کنش منظم کمتری در فعالیت های روزانه دارد و صرف زمان کمتر برای توجه ابراز محبت به فرزندان می تواند اجتماعی سازی را به میزان قابل توجهی کاهش دهد.

۲. صداقت و راستی از خصوصیات عالی اخلاق انسانی است و ائمه (علیهم السلام) صداقت را ارجمندترین و والاترین صفت معرفی کرده (آمدی تمیمی، ۱۳۷۳: ۳۷۱) و از راستگویی به عنوان اساس هر نوع اصلاح فردی و اجتماعی نام برده اند: «الصِّدْقُ صَلَاحُ كُلِّ شَيْءٍ» (همان: ۲۸۱)، راستگویی مایه صلاح هر چیز است. در مقابل، کذب و دروغگویی را ریشه همه فسادها و سرچشمه همه تباهی ها دانسته «الْكِبْذُ فَسَادُ كُلِّ شَيْءٍ»؛ دروغگویی موجب تباهی هر چیز است. (همان) از این رو،



## مؤلفه‌های بنیادین در سبک زندگی اسلامی ❖ ۱۷۵

شرح آنها خارج از ظرفیت این مقاله است. امید است پژوهشگران ابعاد و پیامدهای این مؤلفه‌ها را در سبک زندگی اسلامی مورد تبیین قرار دهند.

### جمع‌بندی

بر اساس آنچه بیان شد، مؤلفه‌هایی کلیدی و بنیادین در سبک زندگی اسلامی وجود دارد که در سبک زندگی غیراسلامی نیست یا حداقل با معنای خاصی که در سبک زندگی اسلامی است وجود ندارد. پیامبران الهی و امامان معصوم (علیهم‌السلام)، در طول زندگی همواره به صورت قول، فعل و تقریر مؤلفه‌هایی کلیدی را برای سبک زندگی دینی ارائه داده‌اند که مسیر را برای انسان‌ها روشن ساخته است. این مؤلفه‌ها بسیارند که در این مقاله به مهم‌ترین و بنیادی‌ترین آن‌ها اشاره شد. درباره این مؤلفه‌های بنیادین می‌توان اذعان داشت:

(۱) این مؤلفه‌های بنیادین، همواره هویت و شخصیت انسان را در مرکز توجه خود قرار می‌دهد و با آماده‌سازی انسان از طریق تعریف معنای غایی زندگی، به طرز قابل

---

حق تعالی مؤمنان را در کنار فراخوانی به تقوا، به همراهی با صادقان نیز فرمان می‌دهد: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا بپرهیزید و با صادقان باشید! (توبه/ ۱۱۹). همچنین در بیان حضرت امیر آمده است که «الصِّدْقُ عِمَادُ الْإِسْلَامِ وَ دَعَاةُ الْإِيمَانِ؛ راستی ستون مسلمانی و پایه ایمان است.» (غررالحکم و دررالْحکَم، ج ۲: ۴۰)

۱. «اخلاص» به معنای خالص کردن، پاک گردانیدن و سالم گشتن از آمیختگی است (لسان العرب، ج ۳: ۱۷۳). در روایتی از حضرت رسول (ص) نقل شده است که حضرت فرمود: خدا در قیامت از شهیدی که ظاهراً در راه او به شهادت رسیده است، درباره نعمت‌هایی که به او عطا شده سؤال می‌کند که با آنها چه کردی؟ او می‌گوید: در راه تو صرف نمودم و در راه تو جنگیدم تا به شهادت رسیدم، خداوند می‌فرماید: دروغ می‌گویی؛ زیرا برای هدف دیگری جنگیدی و آن این بود که به مردم بگویی، مردی دلیر و شجاع هستی. سپس دستور می‌دهد تا کشان کشان او را به دوزخ ببرند. پس از آن عالمی را می‌آورند و همان سؤال را از او نیز می‌پرسند و او پاسخ می‌دهد: برای رضای تو درس خواندم و به مردم آموختم و برای تو قرآن خواندم. اما خداوند می‌فرماید: دروغ می‌گویی؛ بلکه به این نیت درس خواندی که مردم تو را به دانشمندی بستایند و قرآن خواندی که مردم بگویند، قاری قرآن است. سپس دستور می‌دهد تا او را نیز کشان کشان به دوزخ ببرند (بحارالانوار، ۷۰ و ۷۶). امام خمینی (ره) می‌فرماید: «بسیار اتفاق می‌افتد که شخص ریاکار خودش هم متوجه نیست که ریا در اعمال او رخنه کرده و اعمالش ریایی و ناچیز شده است، زیرا حیل‌های شیطان و نفس به قدری دقیق و باریک است و صراط انسانیت به گونه‌ای نازک و تاریک است که تا انسان موشکافی کامل ننماید نمی‌فهمد چه کاره است. خودش گمان می‌کند کارهایش برای خداست، ولی برای شیطان است. انسان چون گرفتار حب نفس است، از این رو پرده خودخواهی معایش را بر او می‌پوشاند. (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۴۸).

## ۱۷۶ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

توجهی در تعریف افراد از هویت خویش ایفای نقش می‌نماید. انسان بر اساس هویتی که در پرتو این مؤلفه‌ها به دست می‌آورد، مخلوق و مسئول در برابر اعمال خود معرفی می‌گردد و حیات مادی و زندگی این جهانی او به‌مثابه پلی تصویر می‌شود که ناگزیر باید از آن بگذرد و به جهان باقی رهسپار گردد. از این رو، زندگی او در یک فرآیند طولانی‌مدت و برای جهان‌های مختلف ترسیم شده است.

۲) قرار گرفتن این مؤلفه‌ها در کنار یکدیگر، الگوهایی را برای زندگی بهتر انسان در این جهان تعریف و ارائه می‌کند که در چارچوب نظام معنایی توحیدی و برخاسته از باورها و ارزش‌های اصیل اسلامی است.

۳) سبک زندگی با این مؤلفه‌های بنیادین و الگوهای آن، نیازها و خواسته‌های انسان مسلمان و جامعه اسلامی را جهت‌دهی می‌کند و علاوه بر آن، شیوه‌های برآوردن این نیازها را نیز تعریف و تبیین می‌نماید. لازمه مبنا قرار دادن این مؤلفه‌ها و پیروی از الگوهای ناشی از این سبک زندگی، انتخاب آزادانه انسان است.

۴) این مؤلفه‌های بنیادین تا زمانی که از تحریف و انحراف به دور باشد، بر اساس اقتضائات جامعه بشری در هر برهه‌ای از تاریخ، مراحل از تحقق جامعه مطلوب را مورد توجه قرار می‌دهد و از پیروان سبک زندگی اسلامی می‌خواهد تا در حد توان و امکانات اجتماعی خویش، برای برقراری یک جامعه مطلوب و مبتنی بر ارزش‌های دینی تلاش کنند. بدین ترتیب، ارزش‌ها و مؤلفه‌های ثابت دینی بر اساس اقتضائات اجتماعی می‌تواند در هر زمانی، به هنجارهای متعارف اجتماعی تبدیل شود و روابط اجتماعی را سامان دهد؛ و البته این هنجارها کاملاً انعطاف‌پذیر بوده و بر اساس نیازهای نوین اجتماعی، از قابلیت دگرگونی و تحول نیز برخوردار است. از این‌رو، دقت و ژرف‌اندیشی در مؤلفه‌های مذکور، هر اندیشمند منصفی را به این نتیجه می‌رساند که زندگی اسلامی قابلیت تحول و تغییر را خواهد داشت. هر مسلمانی با نگاه به وضعیت فعلی خود و سنجش فاصله تا وضعیت مطلوب می‌تواند اقدامات لازم را انجام دهد و بر اساس همین مؤلفه‌های کلیدی، زندگی خود را به پیش ببرد.

## منابع:

### قرآن کریم

- آمدی تمیمی، عبدالواحد (۱۳۶۶). *غررالحکم و دررالکلم*. تحقیق سیدجلال‌الدین محدث‌الاموری، تهران: دانشگاه تهران.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۰ ق). *لسان‌العرب*. بیروت: دارصادر.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). *وسائل‌الشیعه الی تحصیل مسائل‌الشریعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- [امام] خمینی، روح‌الله (۱۳۸۸). *شرح چهل حدیث (اربعین حدیث)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- سید رضی (۱۳۷۵). *نهج‌البلاغه*، ترجمه صبحی صالح، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۴۱۹ ق). *منتخب‌الاثر فی الامام‌الثانی عشر*، قم: موسسه السیده‌المعصومه.
- صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی (۱۴۱۳ ق). *من لا یحضره الفقیه*، بیروت: دارالاضواء.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۷۶ ش). *الامالی*، تهران: کتابچی.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) (۱۴۰۵ ق). *کمال‌الدین و تمام النعمه*. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۱). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ج ۱۸، چ ۲، قم: اسماعیلیان.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*. ۲۰ جلد، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم).
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۸). *سنن‌النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله (اسلامیه)*. چ ۱، چ ۷، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۸). *قرآن در اسلام (طبع جدید)*. چ ۳، قم: موسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).

۱۷۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۱ [الف]). *مرزبان وحی و خرد: یادنامه مرحوم علامه سید محمدحسین طباطبائی قدس سره*، ج ۱، قم: بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).

قنبری، مهناز، فاطمه، همتی (۱۳۹۲). *مؤلفه‌های سبک زندگی از دیدگاه مقام معظم رهبری*. همایش تربیت فرهنگی و مدیریت سبک زندگی (آباده).

مامقانی، عبدالله (۱۴۲۳ ق). *تنقیح المقال فی علم الرجال*. تحقیق و استدراک محی‌الدین مامقانی، ج ۲، قم: موسسه آل‌البيت.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). *بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار(ع)*. بیروت: مؤسسه الوفاء.

محمد بن یعقوب کلینی (۱۳۶۵ ش). *الکافی*. ج ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۸). *الگوی مصرف از نگاه قرآن و حدیث*. قم: دارالحدیث.

مقرم، عبدالرزاق (۱۳۹۴ ق). *مقتل الحسین علیه‌السلام*. قم: انتشارات نصرتی. موسایی، میثم (۱۳۷۴). *دین و فرهنگ توسعه*. تهران: معاونت پژوهشی سازمان تبلیغات اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ ش). *تفسیر نمونه*. ج ۴، قم: دارالکتب الاسلامیه. نراقی، ملا مهدی (بی‌تا). *جامع السعادات*. ج ۲، بیروت: مؤسسه‌الأعلمی للمطبوعات. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۷۶). *غیبت نعمانی*. ترجمه محمد جواد غفاری، تهران: نشر صدوق.

نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ ق). *الغیبه*. تهران: مکتبه الصدروق. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، ج ۱۲، قم: موسسه آل‌البيت.

Rosengren, Karl Erik (1996). **Media Effects and Beyond**, London and New York: Rutledge.

Schwartz, S.H.& Sagive,L (1995). "Identifying Cultural- Specifics in the Content and Structure of Values". **Journal Cross - Cultural Psychology**, No. 126.